

اعتراف بسی بوده به خود سری

آیا اجرای حکم اعدام بدون رعایت شروط قانونی به معنای آدمکشی نیست؟
متاسفانه تنها این دادگاه نیست که در چارچوب "نظرات حضرت امام" مثل آب خوردن دستگیر شدگان را محکوم و سهی اعدام می کند. کفتار جمعی زندانیان سیاسی پس از پذیری حق آتش پس نیز، مطابق نامه اتفاقگرانه آفای منتظری، بدون رعایت کوچکترین شروط قانونی و به دستور "سرعی" خصینی الجام گرفت که طی آن چندین هزار تن از زندانیان سیاسی و از جمله چند صد تن از رهبران و کادرهای بر جسته حزب توده ایران، به بهانه های واهی و بیش با اقتداء وحشیانه به قتل رسیدند و در گورهای جمعی افکنده شدند.

خوبیختانه رئیم قاهری بسیاری گردانندگان نادان دارد که بر اثر مستن و مذهبی مذهبی از جام دیکاتوری مطلق مذهبی و ادامه در من ۲

نامه



ارکان مرکزی خبر توده ایران

شماره ۳۶۸، دوره هشتم،
سال هفتم، ۱۵ بهمن

"مردم" به توجه در فضیول انتخابات

وقتی انتخابات دزدیک می خود
توجه به مردم
در مرکز تقلیل جر و بحث ها قرار
می گیرد ولی وقتی
ضرورت کمک به مردم پیش
می آید آب از آب تکان نمی خورد.

در قاموس رئیم "ولایت
قیمه" واژه مردم کاربرد
مشخصی دارد. و در ظاهر از
چنان اعتباری برخوردار است که
ادامه در من ۷

ازادی را نمی توان با جملات میان تهی تخطیه کرد

... معمولاً عکس العمل در برابر هر عملی دارای حل و هوامل معنی باید باشد. قطع بیماران روحی می توانند بدون هیچ علمی عکس العمل از خود نشان دهند. با توجه به این اصل می توان پرسید، چرا دولت جمهوری اسلامی که خود را قیم پاک میلاده مسلمان در جهان می دارد و به نام آنان سخن می کوید از چند روزنامه و مجله زیر نظر ماموران مخفی وزارت اطلاعات، نهاد های جاسوسی سپاه پاسداران و دیگر سازمانهای سانسور این چنین می ترسد؟

مطبوعات، سرنوشت مدیران مستول "خراسان" و گردون، خودسری دادگاه روحانیت، سانسور نشیبات، خودسپاهی نظام و مستولان و حزب الله، توپیف هیر قانونی مطبوعات قبل از صدور حکم دادگاه، جو سازی علیه دگراندیشان مطبوعاتی، توهین گردانندگان جراید تحت نظارت دولت به ادامه در من ۲

حضور در محفل جشن و سرور یا خوارک گوشه های گرسنه؟!

روزی که باقیمانده "لشکریان اسلام" سراججام با دادن دهها و دهها هزار کشته و زخمی و اسیر و "مقتول‌الاشر"، با تحمل بدیختی های هنوز ناگفته و ناگفته، از "اروند رود" گذشت و بر جزیره "کاو" کام نهادند، متولیان "ولایت" این رویدادها را قبل از هر چیز، غرمه کمک هایی از "علم غیب"، و لاجرم تاییدی بر حقانیت خود، وافود کردند. فردای آن روز - ۲۶ بهمن ادامه در من ۲

در این اواخر پیوش سازمان داده شده به نیستگان، روزنامه نگاران و هنرمندانی که می کوشند تا به طریقی روزنده های گرچه کوچک به سوی آزادی قلم و بیان پکشایانند، شدت یافته است. تقریباً همه ارگانهای مطبوعاتی در خدمت رئیم، هر روز یک یا دو انتقاد کوینده همراه تهدید جراید و مجلات مستقل، منتشر می کنند و جو واقعاً غیر قابل تحصیل به وجود آورده اند. البته ارگانهای سرکوبیگر پس از اینگونه دوستی ها که هدفش گویا "آماده کردن انکار عمومی" است، دست پکار من شوند. فراخوانده شدن مدیر مستول سابق روزنامه خراسان به دادگاه بیزه روحانیت، بازرسی پدیده عیاض معرفی مدیر مستول نشیبه "گردون" توسط ماموران مبارزه با مواد مخدور فقط دو نمونه بر جسته از "آزادی قلم و بیان" در رئیم "ولایت قیمه" است.

هر دو این رویدادها در سومین "نشست همدلی مطبوعات" در اواخر آبانماه در تهران مطرح شد. در این جلسه پس از گزارش فعالیت های "تعاونی مطبوعات" بحث پیرامون مسائل حقوقی منوط به مطبوعات، از جمله ضرورت تشکیل هیئت منصفه

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



پیوون شرع

سرمایی زمستان، بخارهای خاموش و فوفاژهای سرد، سوخت گجاست؟

سرمای شدید اصال در نقاط کوهستانی و بر فکور کشور پخصوص در استانهای سردسیر و رومشاهی محروم تلقای به بار آورد.

(از گواه روز "کیهان" ۲ بهمن ۱۳۷۰) یک شیخ رسمی در وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران دیروز (اول بهمن ۷۰) اعلام کرد که ایران تصد دارد از دو روز دیگر تولید نفت خود را به میزان ۵۰ هزار بشکه کاهش دهد.

(کیهان اول بهمن ۷۰)

بر گردیم به نشست مورد بحث. در این نشست موضوع مهم دیگری هم مطرح شد. یکی از روزنامه نگاران پیرامون سندیکای مطبوعات سحبت کرد و گفت این افته است که پکوئم سندیکای مطبوعات تعلیل شده، بلکه بی فایل ماده است. این یک برخورد منطقی است و مسئله پسیار مهمی را در برآور روزنامه نگاران آزادبخوانه قرار می دهد؛ قبال کردن سندیکای مطبوعات البته با تغیر اساسname آن. نایاب از حکسل العمل رئیس نگران بود. در چهان در حال تغیر نایاب از همه امکانات برای حقب نشاندن رئیس استفاده کرد. جز این چاره ای نیست.

نیروی نیست خود را از دست داده است در ارتباط با "عبور از ارورد رو" و "فتح قا" چه می کوید. او در رجیانه هم انگیز خود - رسالت ۷۰ - از جمله چنین می نویسد:

"اصلًا میدونند تو پایانی دراز" چه کشیدم؟ تری هریزه، خومشهر، تری دارخین چی به سرما اومد؟ کی میدونه که چقدر بهه های ما تری هورهای جزیره مجنون لای نیازارها از فرط شرایی مصنفین نی و آب شدند؟ اصلًا کی میدید بهه های خواص ما از ارورد رو چه جزوی گذشتند؟ کی میدونه چند تا شان خوارک کوسه های گرسنه شدند؟ کی خبر داره که پیکر بی روح مظلومان و شیر جبهه های ما وقت عملیات قا توی سواحل کویت پیدا شدند؟ اصلًا احدی جز او (حضرت حق) خبر داره که تو سه راه مرگ کانال (شلمجه - کریلا) چند پسیجی تو آغوش هم جان دادند؟

خوانندگان پرسانهم. چندی پیش مطبوعات متن بیانیه به اصطلاح گروهی از نویسندهای خبرمندان "متهم" و یا آقایانی را که نان را به سرخ روز می خوردند متصر کردند. در بیانیه از جمله گفت می شود: "روزهای سیاسی دهه اول انقلاب امروز در پای تخته سیاه ادبیات ایستاده اند و دستور زبان بیگانه را تدریس می کنند.

امروز رشته های هنری و ادبی روی شاخ و پرگزیای انقلاب وطن ما جا خوش کرده اند. آنان برای باز کردن گره دست های پا بر هنرهای قصه می نویسند، شعر می خوانند و جایزه های جهانی می کنند.

دیلماسی امروز به این ابرهای سیاه محتاج است که آنها را در پر ابر آتاب انسانیت سپر کنند تا سبزینه های اخلاق در جوامع بشری رشد نمایند.

ما ثی خواهیم متن نوشت را از نظر ادبی و حتی انشای مورد پرسی قرار دهیم، این وظیفه نویسندهای مترقی است. اما، درباره مضمون نوشته می توان خاموش ماند. مدیحه سرايان پارگاه "ولایت قیه" پاید فراموش نکرده باشد که در آن ایام، یعنی در روزهای انقلاب زمانی که این آقایان در پارگاه دیگری حضور داشتند، تووده های میلیونی در راه آزادی پیکار می کردند و قریانی می دادند.

پاید از مدیحه سرايان که هر حال دستور زیان فارسی تدیس می کنند و روایات و احادیث را برای اثبات "میزان تعهد" خود به زیان عرضی آنهم دست و پا فیکسته، می آموختند، سوال کرد، چرا آنها به مقابله "اتاب انسانیت" قادر به فکاهت آبرهای سیاه" با قلم های خود نیستند؟ چرا این آقایان قادر نیستند با فاکه کارهای ادبی و هنری خود "سبزینه های اخلاق در جوامع پسری" را رشد دهند؟ ما، در انتظار دریافت پاسخ به سوالهای خود روز شماری خواهیم کرد.

آزادی را نمی توان ...

روزنامه نگاران مستقل، ضرورت فکستن جو توهین به مطبوعات آغاز شد. از پیش های مطرح شده، نامه ۶۲ تن از مدیران مطبوعات در حمایت از نشریه "گردون" و مدیر مستول آن بود.

طیبی است که جراید وابسته به دولت از حمله و وارد کردن اتهامات به شرکت کنندگان در نشست خودداری نکردند. معمولاً عکس العمل در پر ابر هر عملی دارای علل و عوامل معنی پاید پاشد. فقط پیماران روحی می توانند بدون هیچ عنی عکس العمل از خود نشان دهند. با توجه به این اصل می خود را قیم یک میلیارد مسلمان در جهان می دارد و به نام آنان سخن می گوید از چند روزنامه و مجله زیر نظر ماموران مخفی وزارت اطلاعات، نهاد های جاسوسی سهاه پاسداران و دیگر سازمانهای سانسور این چنین می ترسد؟

قادحتا، دولت های قانونی دارای ثبات سیاسی از آزادی قلم و بیان هراسی ندارند. برای درک این موضوع نیازی به فراگیری علوم سیاسی و اجتماعی نیست. این نیز واقعیت اندک نایاب است که رژیهای دیکتاتوری فاقد پایه های توده ای از هر نوع آزادی مانند جن از بسم الله می ترسند. سالان درازی است که ما در جامعه خود ناظر و شاهد مستقیم این فرایند بوده و مستهم. رسم بر این بوده و هست که همیشه گروهی روشنکر مذاخ نیز رئیم دیکتاتوری را احاطه می کنند. این آقایان که موجودیت خود را مددیون مراحم و الطاف رئیم خود کامه می دانند، به قدر مجاوزند.

ما، ضرور می دانیم پوایی نشان دادن طرز حمل اینکوئه "نویسندهان" و هرمندان" جملاتی از بیانیه اخیر آنها را در اینجا به نظر

حضور در محفل ...

۶۴ - سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور وقت در خطبه های مجاز جمیع از جمله چنین پشارت داد: "لازم بود این کار (عبور از ارورد رو) در تاریکی انجام من گرفت ... خداوند متعال در همان ساعتی که آنها می خواستند ابر را فرستاد. فردا هم یک ابر خلیطی را بر تمام منطقه مسلط کرد. روز بعد پایستی زهر چشمی به دشمن داده می شد خدای متعال ابرها را پر طرف کرد ...".

گذشت از کمک های "هیبی" که از در دیوار قرو می ریخت، سرویست "مرست آمیز" و "ریک آمیز" فهیدان و "زیبایی محافل چشم و سرور" آنان در آن سرا" پخش همه تولیدات رسانه های گروهی و میلیون م و میتامه فرمایشی را به خود اختصاص داد. بلندگوهایی که از آغاز بنگ با صد زبان "موهبت فهادت" را می ستودند و برای آرام کردن خانواده های هزاردار در اعزاز و اکرام فهادت

و فهادت از هیچ یاوه سرایی فروگذار نی کردند، اینکه "هروج" یايان پذیر قاله شهیدان اوج تازه ای می یافت، پاید خبرهای "مرست پخش" را که هر روز و هر ساعت در ریاه "پرگزاری محافل و مجالس انس فهیدان" از آن سرا" مخابره من هد نیپ منحات خود سازند! در همان هفته اول "فتح قا" - اول اسفند ۶۴ - از جمله چنین نوشت:

"محفل شهدا این روزها گرمی دیگری دارد و نیکان جامعه الهی ما در آن سرا چشم و سروری نیبا بر پا کرده اند و هر زمان که فهیدی از راه پسر آنها وارد می شود بر رودق مخفلغان می افزاید و شاید هر روز هنچه زده برگرد خورفیدی از آسمان ولایت حلقة زده حلاوت درک محضر آن والا مقامان را می چشند. چه صحنه های ملکوتی و زیبایی ...".

حال بینیم یک پسیجی، "جانباز" مفتاد در راه فهادت، در بین راه آن سرا، هفتاد درصد از انسان رجیدیده از کار اتفاده ای که در راه فهادت در بین راه آن سرا، هفتاد درصد

یک گام از خمینی فراتر می‌دهد و صراحتاً می‌گوید: "هر واضح است که ما احکام ولی قوه را بخاطر پشتواره فرهنگی که دارد خلی لازم الاجراست از قوانین دیگری می‌دانیم و احکام آنرا حاکم بر قوانین موجود می‌دانیم".

در چنین صورتی آیا باز هم می‌توان از حکومت قانون و برایبر بودن مهد مردم و حق "ولی قوه" در برابر قانون سخن گفت؟

"مدیر مسئول یکی از روزنامه‌های حصر چون روحانی بود به این دادسرا شکایت نهاد و ایشان احضار شدند ولی هیچکس فشار هیات منصفه را نداد...".

در این مصاحبه، تهدید به تفکیر و مشمول شعار "مرگ بر ضد ولایت قوه" کردند، جای مهمی دارد. یک گوشه آن علیه وزیر ارشاد اسلامی است که به این قانونی در این دادگاه

بر زبان جاری می‌سازند که مردم ایران نه در زمان کنونی و نه در آینده، درباره دوران سیاه تسلط "ولایت قوه" داوری قطعی خود را خواهند کرد، به سود ریم نیست.

یکی از گویاگرین گوشه‌های این رقتار خودپسندان، احتراق بی فرماده به نبود قانون و موازنی قانونی در جمهوری اسلامی است که در سراسر آثارهای صلح قائم مقام دادستان ویژه روحانیت در مصاحبه با کیهان موج می‌زند.

جت‌الاسلام حسینیان در مصاحبه خود، نهوده بوجود آمدن "دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت" را فاش می‌کند:

"این دادسرا و دادگاه با پیکری و فرمان حضرت امام بوجود آمد و حضور امام به حل اینکه این دادسرا و دادگاه ویژه بود ضوابط خاص و ویژه ای برای ما تعین کردند که مطابق شرع و چهارچوب نظرات حضرت امام حمل غایید و تاکنون با مصیب رویه و ضوابط ویژه و خاص خود افراد را احضار، تعزیر و اعدام پذیرافت، محکوم به حبس، تعزیر و اعدام نموده است و در پی این رویه ها با ضوابط جاری سازگار نبوده، مثلاً مطابق مقررات امام زمان توسط همین مجلات بجزای بدینکه اسلام و زن مسلمان آن توفیق نمی‌شود...".

باشد دانست که همه این خود سپاهی و از

جمله باز کردن حساب ویژه برای روحانیون از شخص خمینی سرزنشمه می‌گیرد.

پاتوجه به اینکه روحانیت از لحاظ اجتماعی و سیاسی از جایگاه خاصی برخوردار بود، حضرت امام (رض) تضمیم گرفته می‌شود و قدرتمندی را بوجود بیاورند تا از موضع قدرت پتوانند با تخلفات اجتماعی آنها برخورد کنند.

دلیل این خودسپاهی و بی انتقامی ها به قوانین موجود و اراده مردم هم این بوده که خمینی خود را تایانده خدا در روی زمین می‌پندانست و دیکتاتوری خود را "الله" بشمار می‌آورده است.

"خلی بدهی و روش بود که حضرت امام (رض) ولی قوه و دارای ولایت مطلقاً بودند و از این حق قانونی خود استفاده نمودند و اعمال ولایت نمودند".

خدمتی خودانی موجود را سد راه خود می‌دانست و آنها را پایمال می‌کرده است، "از طرف دیگر با قوانین موجود امکان عملی شدن آمال امام (رض) ممکن نبود و در هر جا که دادسرا و دادگاه به مشکل بر می‌خورد، از حضرت امام استقناه می‌کردند و ایشان دستوری را صادر می‌کردند که همان دستورات ولایتی حضرت امام ضابطه برای این نهاد انتقامی شد".

هنگامی که قتاوی خمینی چانشین ضوابط قانونی گردد انتظار بیتری نمی‌رود و به مصدق:

اگر زیاغ رهیت ملک خورد سپاهی پر آورند هلامان او درخت از بین،
ماون دادستان دادگاه ویژه روحانیت هم

ایا اجرای حکم اعدام بدون رعایت ضوابط

قانونی به معنای ادمکشی نیست؟ متناسبانه

تنها این دادگاه نیست که در چارچوب "نظرات حضرت امام" مثل آب خودرن دستکیر شدگان را محکوم و سهی اعدام می‌کند. کشته جمعی زندانیان سیاسی پس از پذیرفتن آتش پس بیز،

مطابق نامه الشاگرانه آفای منتظری، بدون رعایت کوچکترین ضوابط قانونی و به دستور

"فرهنگی" خمینی انجام گرفت که طی آن چندین هزار تن از زندانیان سیاسی و از جمله چند صد

تن از رهبران و کادرهای بر جست حزب توده ایران، به بیانه های واهم و پیش پا اتفاق و حشیانه به قتل رسیدند و در گورهای جمی افکنده شدند.

ملحظه کنید ابعاد بی انتقامی به قانون تا کجا می‌تواند گسترش پیدا کند:

"... با وجودیکه مدیر مسئول این روزنامه هیچ روحانی بود، اما چون جرم توان و مرتبط صورت گرفته بود، مطابق آئین نامه و قانون دادسرا و دادگاه ویژه رسیدگی کردم...".

یعنی حتی علیرغم دستور خمینی که قرار بوده فقط روحانیون به این بیدادگاه آورده شوند، هیچ روحانی را هم به محکمه کشیده اند!

در قانون مطبوعات، برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی، حضور هیئت منصفه پیش یافته است. ولی این دادگاه ویژه به این چیزها انتقامی ندارد؛

پیرامون سخنان "ولی فقیه"

در جمع مسئلران و کارگزاران کشور^{۹۹}

شود. تدبیر در قرآن یکنید. من بیشتر از شما محتاجم که کسی این حرفا را به من بزند. پنده هم باستی مورد معین موظله ها قرار بگیرم.

خامنه‌ای احتراف من کند که خود نیز واعظ غیر متعظ است و آنچه را که به دیگران توصیه می‌کند شخصاً الجام غمی دهد.

سر فصل اول سخنرانی او اینست که مسئلران خود را "دوکر مردم" بدانند، "آمام فرمودند اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند". اما خمینی طی سال‌ها فتنید که دست کم روزی سه بار، پیش از اخبار رادیو، گروهی دم می‌گیرند "الله اکبر، خمینی رهبر" و دستور چلوگیری از آن را داد. یعنی ته دلش خوشش من امده که از او تعریف‌های بی‌محتوی پکنند و شب و روز از خدا بخواهند که "تا انقلاب مهدی" خمینی را زنده نگهدازد! پس تعجبی ندارد که پیروان او هم به القاب خود دلبلستگی زیاد دافته باشند و وقتی زیر نامه‌ها امضا می‌کنند "الآخر" منظورهان "حضرت اجل خودم" باشد.

از این رو وقتی به دروغ مدعی شووند که "اگر این ملت فهادت می‌دادند" که امام خدمتگزار آنیاست. امام پیشتر خوفحال من شد تا ملت پیک صدا فریاد بزند که تو رهبر ما هستی، دیگر هیچکس برای اینکردن تصایع ارزشی قابل نیست.

خامنه‌ای هم مانند سلف خود در این سخنرانی مقاله "کاخ نشینان و کوش نشینان" را بصورت دیگری مطرح ساخت و گفت طبقه محرومین به در دلیل پاید مرد توجه خاص قرار بگیرند. "اولاً چون احتیاجاتشان پیشتر است و بعد این را اقتضا می‌کند و ثانیاً چون آنها پشتیبانی شان از نظام جدی تر و همیشگی تر است... توی جبهه چه کسانی بودند؟" نسبت ها را ملاحظه کنید خیلی از این پولدارها، از این مرغین جامه، از این بی دردها و بی احساسها هشت سال جنگ آمد و رفت و اینها را حسن نگردند، همان‌ها، همان راحتی، همان آرامش و چهار روز هم اگر فهر مورد تهاجمی بود سوار مافین شان می‌شدند و می‌رقتند پیک جای دیگر استراحت می‌گردند....

اما مگر شخص خمینی نبود که در آغاز چنگ دستور توقف اصلاحات ارضی را بخاطر حفظ "وحدت ملی" صادر کرد؟ حال هم وقتی نویت به خامنه‌ای می‌رسد

یا دنیای "پاکی".

براستی پسپاری از سردمداران امور در جمهوری اسلامی ثابت کرده اند که اگر وده بهشت و ترس از جهنم نباشد، از هیچ دخلکاری و جناحتی رویگردان نیستند. پس چاره جز این نیست که آنرا از روز "حساب الهی" ترساند:

"پاید خدا را از پاد نیم، مرگ را از پاد نیم، سوال الهی را از پاد نیم، محاسبه الهی را از پاد نیم... سر و کار ما اگر به پاک باز جری شیفت کم اطلاع بیفتند، یا اختلال پدھم که خواهد افتاد حواسمن را جمع می‌کنند... آن وقتی که از کار خسته می‌شوند، آن وقتی که احسان می‌کنند حالا کار را چه لزومی دارد دنیا بکنم، آن وقتی که پاک رفاقت در میان می‌آید، آن وقتی که پاک افزون طلبی و خود خواهی و شخص اندیشه در میان می‌آید، آن وقتی که پاک قنوات پاطل نسبت به پرادر مسلمان در میان می‌آید (در مورد فهر مسلمان افقاً ندارد) آنچه به پاد این آیات بیفتند... دیگران این ها را دادارند. نظام هایی که به خدا و قیامت انتقام ندارند، بسته به زریگی شان چکوئه زیر و رو کنند، لا بل کنند که چشم های حسابکر و حسابرس دلیا نهند، کاشی نهند، دادگاه نفهمد، بازرسی نفهمد، مأموری نفهمد، مساله به همین جا خالقه پیدا می‌کند... اما ما اینجور نهستم. ما آنچه که دیگران فی قوه‌های اجتماعی که دیگران تخفیض می‌دهند، اول مشکل ماست که نفس پر ما غله نکد و وسوسه نکند....

خامنه‌ای فراموش می‌کند که مسلمانان واقعی مانند منتظری مدتهاست کنار رقت و یا حذف شده اند و اکثر همکاران کنوی اش یه این حرفا اعتقادی ندارند و برای مصالح روز نیش گذاشته اند و پرایشان و عده هذاب الهی پیک تهدید نسیه محسوب می‌شود، در حالیکه تقد دلیا مزه دیگری داردا او می‌پندارد که اگر "برادران" ذکر خدا کنند دست از دزدی و هارتگری بر می‌دارند. از این رو به همه توصیه می‌کند: "آفایان وزرا، آفایان نمایندگان، آفایان مدیران گوناگون کشور، مسئولین قضایی کشور... دعا کنید، ناظله بخواهید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید، در شبانه روز پاک ساعت را برای خودتان قوار بدهید، خودتان و خدای خودتان از کارها و افتغالات گوناگون خودتان را پیرون پکشید با خدا با اولیا خدا... مانوس

خامنه‌ای در یک سخنرانی، که مانند خطبه نماز جمیع آغاز شد، کارگزاران رئیس را نصیحت کرد.

این سخنرانی یا پادآوری آیاتی منوط به جنگ احمد از قرآن آغاز شد که در آن ها، خدا به رزمندگان مسلمان، در صورت پایداری، و عده پیروزی می‌دهد. اما پس از پیروزی اولیه میان مسلمین، بر اثر دشواریها و ناهمافتنگی ها کشکش پیدا می‌شود و علام فکست نمایان می‌گردد. سراججام چون به هر حال همکنی مونم بوده اند، باز خدا به دادشان می‌رسد و فکست را چهران می‌کند.

این قانونی است، مثل قانون جاذبه (منظور قانون جاذبه عمومی میان اجرام است که توسط نیوتون کشف شد)، مثل قوانین دیگر طبیعی و تاریخی. نعمت را خدا بر نی گرداند. ما مستهم که با رقتار خودمان و با عقب گرد خودمان و با سوء تدبیر خودمان در باره امور خودمان نعمت را بر می‌گردانیم.

البته منظور خامنه‌ای اشتباهات سرنوشت ساز خمینی و دیگر گردانندگان رئیس در جنگ عراق علیه ایران و تبدیل پیروزی ایران به فکست بر اثر سوء تدبیر و ندامن کاری و نیاده طلبی نیست و همچنین خوردن در به تخته، یعنی مجاوز عراق به کویت در پیرون رفتن داوطلبانه اش از بخششای اشغال شده ایران را به عنوان لطف مجدد خداوند در نظر ندارد. وگرنه این جمع پندی: "ما که در جنگ پیروزی می‌شون بخطاطر بی تقوی ای است. بخطاطر آن افقاً است که در درون خود ما، بیماری دیگری دارند(...) آنچه به پاد این آیات بیفتند... دیگران این ها را دادارند. نظام هایی که به خدا و قیامت انتقام ندارند، بسته به زریگی شان چکوئه زیر و رو کنند، لا بل کنند که چشم های حسابکر و حسابرس دلیا نهند، کاشی نهند، دادگاه نفهمد، بازرسی نفهمد، مأموری نفهمد، مساله به همین جا خالقه پیدا می‌کند... اما ما اینجور نهستم. ما آنچه که دیگران فی قوه‌های اجتماعی که دیگران تخفیض می‌دهند، اول مشکل ماست که نفس پر ما غله نکد و وسوسه نکند....

خامنه‌ای که می‌داند همکان بر این باورند که رئیس "ولادت قیه" می‌سالهای سلطه خود ضربات جبران ناپذیری بر حیثیت اسلام وارد آورده است، کوشید در این زمینه هشداری پدیده: "به اسلام از دید ما نگاه می‌کنند. از راه ما حقایق اسلامی را می‌پیشند. اشتباه ما هم به پاکی اسلام خواهند گذاشت... من گویند اسلام شکست خورد. من گویند پاک جهود ای اسلام را درست شفیعه بودند و درست عمل نکردند و آنها شکست خوردند...".

و از زیور: "ما پاک اصولی داریم، ما پاک روشهای مخصوص به خودمان داریم. اینها مال اسلام است. این اصول پاید در دنیا حاکم شود، نه آن اصول غلط دنیای جاهلی و استکبار خودش را بر ما تحمیل نکند."

از توضیحات خامنه‌ای معلوم شد که پنهان او همه انسانها طیعتاً دزد و بد کاره و چنان‌تکارند. اگر کار خوبی می‌کنند بخطاطر چشم‌دافت دیوی و یا اغروی است و اگر کار بد می‌کنند از ترس مجازات در دنیای "فانی" و

توقیع از "رهبر" این بود که با بررسی منطقی مشکلات، راهی برای بروز رفت از بحران اقتصادی و اجتماعی کنونی ارائه دهد. اما او مانند یک آخوند معمولی، با سرم پندتی کردن جملاتی که مردم مدتی است از نشیدن آنها خسته شده اند نشان داد که جز دعا و استغفاره کاری از دستش برگزی آید.

الب طبق تشاکن هوض کردم طبیعی است که بد اشاره یکنی عقب نشیفی می گذشت. طبیعت موضعی نیست، از روی ایمان و اعتقاد نیست. حرف که می زند حرف حرف زیست. طبیعت اهل قلم و آن روشنگر جماعت مادی مسلک همین است. حرف که می زند زمین و زمان را بهم می دوزند. آدم می شنود خیال می گذشت که این سوخته جانی است که دارد از احصاق جانش حرف می زند. نزدیکش که راقی می بینی خیر، این هیچ نیست. از زیان، یک ذره فراتر نیست.

الب برای کسی که به فکر حریق همراه باگره و شراب طهوه و زندگی بی دردرس و بی رحمت در پیشست موعود است پس از تعبات دنیوی، در پیوی "نهید" هم پیشود تا از تشنیفات ورودش به پیشست کاست نگردد، درک فیوه تفکر و منطق یک روشنگر دفوار است و دنبال "شهادت" طعمکارانه نبودن او را ترس می پندارد.

با این همه خامته ای کار سلی (یعنی زورگویی) و کار ایجایی (فرهنگی) را برای مقابله با روشنگران توصیه می گند و "طرق" و محبت اسلامی را پدست رفاهمنشی می سوارد. در پایان باید گفت خامته ای در سخنرانی خود مسائل تازه ای را مطرح نکرد. او بعنوان "ولی قیه" مدتها پس از اینکه مایندگان مجلس و مطبوعات در مورد درگیری جناحها، ساده نیست و مبارزه فرهنگی با "فرب زدگان" همه مطالب را مطرح کرده بودند به میدان آمد و حرفهای پیش پا افتاده ای زد که نشان داد از نظر سطح فکری از اطرافیان خود جلوتر نیست.

اما این واقعیت مانع از آن نشد که مانند دوران خمینی، بالاگاهه مهه رسانه های گروهی شروع به پا نمیری رفق و چاپ سلسله مقالات در تشریح اتفاقات رهبر گند و در مجلس و دیگر نهادها، تصمیمات پیوی برای بیاده کردن آنها بگیرند.

توقیع از "رهبر" این بود که با بررسی منطقی مشکلات، راهی برای بروز رفت از بحران اقتصادی و اجتماعی کنونی ارائه دهد. اما او مانند یک آخوند معمولی، با سرم پندتی کردن جملاتی که مردم مدتی است از نشیدن آنها خسته شده اند نشان داد که جز دعا و استغفاره کاری از دستش برگزی آید.

موضوعی به قدر موضوع اختلافات مطلب فرموده باشد، در هین حال ما اصلاح نشدم؛ تلاشی های خمینی را دنبال می گذشت و به "برادران" می گوید، "شما می خواهید برادر خودتان را به خیال خودتان اصلاح کنید. او برادر فمام است. خوب برو برادرت را مخفیانه (دور از چشم مردم) بیدا کن هر چه می خواهی به او بگو. چرا مردم را با این اختلاف اکنون دچار تشویش نکری می کنی؟" خامته ای می افزاید، "طرفین متأسفانه بروخودهای خنثی دارند باهم، بروخودهای نا مناسب با محیط اسلامی با هم دارند، حرفها با اعادت با تهمت اینها خلاف واقع همراه است. از کار یک نفر جم بندی کلی می گذشت، یک استنتاج همومی می گذشت که این هلط است. این تزویر است...".

تا آنجا که همکان شاهد بوده اند، اینکه بروخود که خامته ای آنرا تزویر می نامد، نسبت به فهر مسلمان و دگر اندیشان، در سراسر دوران موجودیت جمهوری اسلامی یکانه شهرو تبلیغاتی رئیم بوده است. پتابر این علی الاصول این یک بروخود کاملاً مناسب و همراهی با "محیط اسلامی" است. با این تفاوت که گویا آنرا نسبت به "خودیها" نایاب اعمال کرد.

دلیل مدعای آنکه خامته ای در بخش سوم اظهارات خود پیرامون مساله فرهنگی جامعه، ناگهان از در دیگری وارد می شود و هر چه ناسزا در چنته دارد بر زبان می آورد تا روشنگران جامعه را پرساند و از صحنه مبارزه خارج سازد. او می گوید:

"در آغاز طبیعی بود که انقلاب (منظور دوران پس از تسلط مطلقه آخوندی است) توانست بخشی از آنها را جذب گند. در سالهای اول انقلاب این ها جرات نفس کشیدن نداشتند (براستی در جمهوری اسلامی نفس کشیدن جرات می خواهد) طبیعت آن جماعت (روشنگران) که پیش از انقلاب هم خیلی از نزدیک من آن قشر جماعت را می شناسم... اهل خطر نیستند، اهل وارد شدن توی صحنه سخت و دشوار و خطرناک نیستند" او ایله مجبور بودند تری لاکاهایان، توی خانه هایشان، حداکثر پیش درهای پسته در دلی با مددیگر بگند. تدنیجا یک نشیوه ای راه انداختند، یک قلمی زدند، یک جایی حرفی زدند، یک کسی یک جایی به نفعشان یک چیزی گفت، یک جا فرعی اورددند کسی اعتراض نکرد (متوجه وسعت دمکراسی "قاقاتی" هستند). تدنیجا اینها دیدند مثل اینکه توی این فضا می فود سازماندهی کرد یک کاری کرد.

سپس خامته ای روشنگران را متهم می گند پیش جبهه انقلاب یعنی مردم را به دام خود بیندازند، در رادیو و تلویزیون و مطبوعات و در سالهای فرهنگی خسرو دارند و وارد سیاست قده اند، به دولت و نظام انتقاد می گذند و... این کار بسیار خطرناکی است." بر این اساس خامته ای پیش کردن در دل روشنگران را برای حل قضیه توصیه می گند:

در پاسخ به این پرسش که اگر اینطور فکر می کنید پس چرا مردم محروم را به این روز سیاه نشانده اید؟ می گوید، "نگویید که حالا برنامه پنجساله چنین و چنان شد و حقوق بکورها وضمیمان پدر شد. البته در پاره مسائل منوط به اوضاع گرانیها و ترور و مشکلات مطالی هست که انشا الله من دیدار جدگانه با مسئولیتش، با هیئت دولت در میان خواهم گذاشت...".

در همین قتل خامته ای پیرامون جلب اعتماد و محبت مردم داد سخن می دهد و می گوید، "نظام های دنیا سه جسور اداره می شوند. یا با ترور مثل نظام های یاوسی دنیا... اینکه از ما برگزی آید، ما اینکاره نیستم. نوع دوم آن سیستم هایی است که با تزییر و تبلیغات اداره می شوند، مثل این دمکراسی های هریس، پله، فشار و شلاق و داغ و در حقش مثل نظاههای استبدادی نیست. مردم علی الظاهر آزادی دارند. اما با تزویر مردم اداره می شوند... و این هم قان مایه نیست و اسلامی نیست. یک جور نظام هم نظامی است که با محبت و علوفت مردم اداره می شود. پاید مردم را مورد محبت قرار داد. مورد احترام قرار داد، به آنها اعتنا کرد تا به دستگاه حاکم وصل پاشند و پیشتر سرش پاشند، و این نظام اسلامی است. نظام ما اینچور بوده تا حالا و بعد از این هم پاید اینچور پاشند...".

راستش وقتی ما این ادعاها را از روی روزنامه کهیان پاد داشت می گردیم، به عکس سید علی خامته ای که در همان صفحه چاپ شده بود نگریستم و از اینکه این انسان جا افتاده جرات کرده است پس از اینهمه جنایات هولناک علی سالهای حاکمیت "ولايت قیه"، از توسری زدن و توهین کردن به زنان به حجاب و بد حجاب گرفته تا شلاق زدن انسانهای این گناه به بهانه های گوناگون و سنگسار کردن ددمنشانه زنان به جرم "زنای محسنة" کشته ای و قتل در زندانها و بیویه کشته جمعی زندانیان سیاسی پس از پذیرفتن آتش پس، به دستور خمینی، تجهیل خلقان هولناک به جاممه و تهدیل کشور به یک گورستان بزرگ، باز هم دم از "محبت و علوفت" پزند شکفت زده شدم.

خامته ای در سخنرانی خود می پرسد: "این چه وضعي است که همینطور بی حساب و کتاب جلوی هر وزارت خانه ای، چلو هر اداره ای دهها مأشین مال مستولین آنها به رنگهای گوناگون (توقف کرده است)." وقتی خامته ای از یک روحانی "حقیقتی- سیاسی" می پرسد چرا با مأشین خودت سر کار می روی؟ پاسخ می شود که این یک رویه است همه می گند.

آری، هارت بیت المال در جمهوری اسلامی تهدیل به یک رویه شده است! خامته ای در بخش دوم سخنان خود به اختلافات میان دو چنای حاکم می پردازد و ضمن اعتراف به این واقعیت که نکاه کنید حجم فرمایشات امام را، من گمان نمی کنم که در هیچ

نماینده یک مجلس "قوی و آزاد" پس از "اعتراف" و "توبه" مورد "عفو" قرار می گیرد!

احمد خمینی برای آنکه مردم را به حضور در صحنه نمایشی‌گاتخابات که در پیش است، راهب و علاقه مند سازد از جمله گفت: "مجلس فورای اسلامی بحمدالله مجلسی است قوی و آزاد که از فریادهای الله اکبر توهه‌های میلیونی با برهنه فراهم آمده است" (رسالت ۷۰/۹/۲۰).

خاتم مردم پیروزی "نماینده" چنین مجلسی برای آنکه از یک مجلس قوی و آزاد "مرده زنده ای بدبست دهد، همان روز در جمع دانشجویان دختر مدرسه عالی قضایی تم، در مورد دیدار گروهی از نماینده‌گان با "ایت الله متظری" از جمله گفت: "... البته پسپاری از آقایان بعداً که متوجه حرکت نایابی خود شدند متبه گردیده و رسماً م اعلام کردند. هسته اولیه این ملاقات سه نفر بودند که دو نفر آنها ضمن اظهار پیشمانی نفر سوم را به عنوان طراح اصلی این کار معرفی کردند که او نیز بعد از اعتراف و توبه مورد عفو مقام معظم رهبری قرار گرفت" (همایجا).

خاتم پیروزی پس از بیان این گزارش که شوهای تلویزیونی "مقام امنیتی" رئیم فاه را تداعی می کند، برای آن که "لیاقت سیاسی خود را به اثبات رساد و انتساب خود را برای حضور در دور چهارم مجلس قوی و آزاد" زمینه سازی کند، اضافه کرد: "این حرکت سیاسی خام و کوری بود که اگر به طواحان و بازی خود کان آن مدركه عدم لیاقت بدند خشان است" (۱) (همایجا).

توبه نامه مرتضی الوری

به "ولی فقیه"

"با احذا سلام و تحيات به استخار خیرت خالی می رسم آنچه که از طرف اینجاذب در رابطه با دادگاه و پرونده روحا نتیجه بیان گردید بطور قطع از روی خلوص و دلسوزی برای نظام و انقلاب بود و بدون تردید تذکرات فسما را صعب العین خود قرار خواهیم داد. لکن با کمال تأسف به قتل از دادسرای و پرونده روحا نتیجه در رسانه های گروهی مطلق در مورد اینجاذب اعلام کنده که امکان خدمتکاری را از من سلب نموده است، زیرا اینجاذب به چیزهایی متهم شده ام که در طول زندگی همواره پاسدار آن بوده و برای آن سختیها و دشواریهایی را سمهانه به جان پذیرته ام.

اینجاذب خود را بدمکار انقلاب اسلامی دانسته و احسان می کنم که اگر همه هم، آنچه را که فرا گرفته و در توان دارم برای انتقام جمهوری اسلامی در این مرحله حساس سازندگی و بازسازی به کار گیرم باز هم مدعی و بدمکار غواصم بود. اما تأسفانه افتلالات ذهنی نافی از چنین اتهاماتی توان لازم برای ایجاد این مهم را از اینجاذب سلب نموده است.

در پایان به عرض مرسانی خیرت خالی در تصمیمی در مورد فرق اتخاذ فرمایید اینجاذب بر این بیان که هرگز از خط امام و تبعیت از خیرت خالی بعنوان ولی فقیه حدول ننمایم، باقر و استوار خواهم ماند."

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته، ملتمن دعا،

مرتضی الوری،

وقیس کمیسیون بردامه و بودجه مجلس شورای اسلامی

در مطبوعات مجلس

خانمهای در دیدار با وزیر و معاونین و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش

"محبت انتخابات به آن است که حقیقتاً از آرا و تشخیص قلی مردم حکایت داشته باشد و برای این منظور لازم است آگاهی مردم به حدی برسد که این تشخیص صحیح باشد.

مردم پاید واقعاً آگاهانه و با فکر، نماینده‌گان خود را انتخاب کنند و روند انتخابات نیز نباید در مجراهای رایج بین غربی‌ها که با پول تبلیغات و خرید افراد ضعیف النفس برای فرد، جناح و یا حزب خاصی رای بددست می‌آورند، قرار گیرد".

مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه

"... متسانه تا به حال انتخابات ما تربیا از نوع غربی‌ها بوده و نکات شهری و الهی را حیات نشده است. انتخابات سالم به این صورت است که در هر شهری اسامی افرادی که حاضر به نماینده‌گی هستند را اعلام کنند، مردم هم که آنان را می‌شناسند هر کس بنا به صلاحیت خود رای می‌دهد. این انتخابات مخارج بهبوده ندارد و سالم است.

متسانه گاهی رای مردم خرد و فروش می‌شود که این کار صحیح نیست و معامله باطل است".

شورای نگهبان در جلسه دیروز خود

پیش پیرامون طرح قانونی اصلاح مواد ۲۱/۲۲/۲۴ و ۲۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و احراق یک ماده به آن که از جلسه گذشته مانده بود را ادامه داد و نظرش را پدیدن فرج اعلام داشت.

۱ - نظر به اینکه ملاک محدود کردن افراد فاقد در مشاہل مختلف جیعت داوطلب فدن در انتخابات به استنفا از شغل خود، رفع قبیله سوء استفاده از مقام و امکانات دولتی است و این ملاک در مقامات دیگری نیز که از آنان ذکر نشده وجود دارد اطلاق حق الف بند ۱ ماده ۲ اسلامی در مورد محرومیت مدیران حامل فرکتهای دولتی از شرکت در انتخابات قبل از استنفا در سراسر کشور تمییز ناروا محسوب و متأثر قانون اساسی فناخته شد.

۲ - تبصره ۲ ماده ۴ اصلاحی به گونه ای که تنظیم شده از آن جیعت که ظهور در سلب حق نظارت شورای نگهبان در برخی مراحل انتخابات دارد با اصل ۹۶ قانون اساسی متأثر فناخته شد.

۳ - اطلاق تبصره ۵ ماده ۵ اصلاحی در خصوص انحلال هیئت اجرایی به تشخیص و وزیر کشور، بدون در نظر گرفتن حق نظارت شورای نگهبان متأثر قانون اساسی فناخته شد.

۴ - نظر به اینکه امر نظارت بر انتخابات و تیجتاً اظهار نظر در مورد آن طبق اصل ۹۶ قانون اساسی به مهده شورای نگهبان گذشته شده است و نظر به اینکه اظهار نظر شورای نگهبان گذشته شده است و نظر به اکثریت مطلق احضا یعنی نصف به ملاوه یک دارد و نظر به اینکه جز در مورد تفسیر قانون اساسی نسبی پیش از نصاب اکثریت مطلق تعین نشده، تبصره ۱ ماده ۶ اصلاحی که ابطال انتخابات را مفید به تحسیل رای سه چهارم کل احضا شوده متأثر قانون اساسی فناخته شد.

۵ - نظر به اینکه دادن حق شرکت و اظهار نظر در جلسات شورای نگهبان هنگام بررسی بروندۀ های انتخاباتی به انتخاباتی و مقامات مذکور در تبصره ۲ ماده ۶ اصلاحی و نوعی دخالت در امر نظارت تلقی می‌شود تبصره منور متأثر قانون اساسی فناخته شد.

لازم است ذکر است تصریح اول تبصره ۱ ماده ۶ با استثمار اینکه تشخیص معتبر بودن استاد و مدارک برای ابطال انتخابات، با خود شورای نگهبان است".



می گویند: مسولین و ائمه جماعات سواست کشور ساخت نفت زمستانی خود را در آبادهایی که به این منظور در منازل خود ایجاد کرده اند، ذخیره نموده اند.

می گویند: نفت سفید را برای در امان ماندن از حمله مردم سرما زده چهت انتقال به ترکیه از تانکهای دیگری مانند تانکر حمل آرد، گندم و ... استفاده می کنند.

"روحانیون و دانشجویان باید به یکدیگر احترام پذیرانند، زیرا دفنن سی دارد این دو قشر را از یکدیگر جدا کند، لذا روحانیون باید با سبر فراوان و ضمیت روحی طبقه تحصیل کرده را پنومد و آنها نیز می پایست منزلت روحانیت اصیل را حفظ کنند."

بسیجیان سراسر کشور برنامه های پسیع را برای مقابله با هجوم فرهنگ غربی که در ابعاد پدیدهای و اشایه نوارهای زیدلوس ... و گسترش یافته اعلام داشت.

به وضوح دیده می شود که تقاضا عکس العمل تنها به سیاسی و غیر سیاسی بودن حوادث ارتباط دارد. یعنی اگر در یک نقطه از کشور، مردم جان به لب رسیده با سیاست های قرون وسطی "ولادت قیه" به مقابله برخیزند، وزارت کشور در اجرای وظیفه "قانونی" خود - حفظ یافته های لرزان حاکمیت - بدون لحظه ای درنگا!

اما اگر ... این سخنرانی آقای دوری جدا ما را به یاد آن واعظی اداخت که برای مقابله ایش همیشه از اوصاف پوشت سخن می گفت. تا اینکه یکی از مستحبین با حال احتراض به او گفت، چرا هیچ از جهنم سخن نمی گویی و دائماً توصیف پوشت می کنی؟ واظن در جواب گفت، چون چونم را به رای العین خواهید دید، گفتن ندارد. أما، ما باید آنچه را که شما نمی بینید برایتان نقل کنیم.

اعتراضات همچنان ادامه دارد

وزیر فرهنگ و آموزش عالی کشور مجبور شد در مقابل این تظاهرات موضع پکید و در مقابل سوال خبرنگار "کیهان" که پرسیده بود: "جز این اعترافات آمیز اخیر دانشگاهها را چگونه ارزیابی می کنید؟" گفت:

"تفیه اگر چه خلی کوچک بود اما مقدم کسری بودجه دانشگاهها، مشکلات میهمتی دانشجویان و هراویط هموی جامعه را می توان به عنوان سه دلیل مقدمه آن بر شمرد."

منظور آقای وزیر از هراویط هموی جامعه به عنوان یکی از دلایل اعتراضات و اعتسابات دانشگاهان چیست؟ چرا آقای وزیر در این مورد سکوت می کنند؟ مگر نه این است که دانشجویان خواستار کوتاه شدن دست شایاندگان ولی قیه و دیگر "گوش و چشم" های رئیم از محیط دانشگاه هستند؟

بنی دلیل نیست که رضوی "تماینده" کرمان در سخنرانی پیش از دستور خود در مجلس خواستار حفظ وحدت کلمه آن هم برای "خط نظام" می گردد.

دو چلیک کوهنه و رنگ و رو رنگ را در دست دارد و از حرکاتش پیداست که از



نگاههای مردم مذهب است. نگاهش روی کرکره پایین کشیده قده اولین قسمه نفت قایق ماند، لحظه ای مکث می کند زیر لب چیزی می گیرد، "این هم از تقاطع مرتضوی - کارون مر و قت نفت داشته باشد، پسته است، حالا کجا بروم؟" سوز سرما دست ها و سورتیش را آزار می دهد اما اگر نفت نکرید، بچه ها ...

۲ - بسیجیان برای مقابله با مقاصد اجتماعی سازماندهی می شوند

سرتیپ الشار، فرمانده پسیع در جمع

توجه به "مردم" ...

برای نهان دادن "سیما" مردمی رزم ولایت قیه، زینت پخش تمایز سخنرانی های مسوان و دیگر دست اندر کاران به هر مناسبی چه در دیدارها، سمعه های، کنفرانس ها، میزگرد ها و پیش از دستور جلسات مجلس و خطبه های نماز جمیع گردیده است.

مشلا سخنرانی آقای نوری، وزیر کشور که به علت فرا رسیدن مرعد انتخابات دوره چهارم مجلس در جمع استانداران و فرمانداران صورت گرفت و حضوری آن را مراتبات قانون اساسی و "گزوم اجرای بی خدشه آن" و "بی طرقی از جناحها" در بر داشت، موضوع "جلب مشارکت هر چه وسیط مردم در انتخابات" را به پیش کشید. وقتی انتخابات نزدیک می شود "توجه به مردم" در مرکز قتل جر و پیش ها قرار می گیرد ولی وقتی ضرورت کمک به مردم پیش می آید آب از آب تکان نمی خورد.

کمک به مردم بهترین محل برای سنجش و یا تعین میار مردمی بودن آقای وزیر و اطرافیانش است.

در این مورد نیز ما تقاضا عکس العمل وزارت کشور را نسبت به دو خبری که حل آنها در حیطه وظایف و مسویت هایش می باشد، ملاک قضایت قرار می دهیم.

۱ - چه کسی به فکر خانه های سرد جنوب شهر است

امريكا خواهان کسترش ميدان عمل
بیمان آتلاتیك (ناتو) شد

دانو از اندیشه جهادی

در سی و هفتمین مجمع عمومی سازمان پیمان آتلاتیک (ناتو) که از طرف ایالات متحده آمریکا سازمان داده شده بود وزیر دفاع و فرمانده ستاد کل ارتش آمریکا، وزراوی کولین پاول به نگهدارن پیمان آتلاتیک (ناتو) تاکید ورزیدند. آنها معتقد خواهان افزایش ماموریت های جدید - سیاسی، اقتصادی و نظامی - برای آن پیمان جهت گسترش حضور دائمی در همه جا شدند.

وزراوی پاول مطرح می کند که نیروهای نظامی آمریکا دیگر نقش جهانی دارند.

وی معتقد اعلام داشت که کلیه هواییماهی که قادرند سلاحهای هسته ای را با خود حمل کنند ممکن است در اروپا باقی خواهند ماند.

ناتو چنگ افزارهای خود را برای چه نگه می دارد؟ آمریکایی های دیگر مثل گذشته می توانند به دروغ "خطر شوروی" متولی شوند. اما دیگر چنین، وزیر دفاع در پاسخ می گوید که پیمان آتلاتیک (ناتو) برای پیشگیری و یا خشی مودون پیمان هایی مشابه پیمان موجود در پوکسلاوی و دخالت نظامی مانند آن چیزی که در خلیج فارس اتفاق افتاد، باقی خواهد ماند.

وزراوی آمریکایی از تشکیل اتحاد انحصارات در نیروهای عملیات سریع ناتو به خود تبریک می گوید. موضوعی که خیلی قبل از آن وزیر آلمانی گفت بود: "بی شک یک دوره انتشار و نازاری به یک جواب سخت و هماهنگ ناتو دیگر خواهد داشت" که این تز توجه خاص دیگر اول اتحاد آتلاتیک را نیز برانگشت.

وزیر در یک گفتگوی اختصاصی با هفته نامه "اکسپرس" می گوید: "اول تغییر در اتحاد شوروی بسط و پیوست در کشورهای بالکان و دیگر کشورهای مرکزی و شرقی که در پیک دوره گذار سخت و دشوار زندگی می کنند، احتمال درگیری های "کمر بند و خیم" که از خاور دور تا خاور میانه را در بر می گیرد، وجود دارد. از نظر پروژه در حال عمل، ناتو - تنها سازمان امنیت مشترک - پایستی و ادارم جهان باشد".

در واقع خطرناک و نادرست است اگر قبول کنیم که ناتو می تواند امنیت جهانی را تضمین کند.

آغازیته - ۱۱ آکتبر ۱۹۹۱

اعتراض علیه نقض حقوق بشر در ایران

"جمیعت خبرنگاران بدون مرز" که مرکز آن در فرانسه می باشد، ضمن انتشار پیانیه ای به تئیقات و فشارهایی که از جانب حکومت جمهوری اسلامی ایران به خبرنگاران ایرانی وارد می آید، اعتراض کرده است. در این پیانیه برای مردم از روزنامه نگار مترقب، خاتم "ملکه محمدی" نام بردند. که با دافعی بیش از ۶۵ سال سن توسط حکومت جمهوری اسلامی به حسین احمد محکوم گردیده است. این "جمیعت" ضمن اعتراض به این امر خواستار آزادی فوری "ملکه محمدی" شده است.

همین در این پیانیه آمده است که در حال حاضر ایران با دافعی ۱ خبرنگار زندانی رتبه اول و در جهان دارد.

از آنچه گفته اند و خوانده ایم

آقای "نماینده" مجلس:

"یک از حوادث روزهای اخیر درگذشت مرحوم آقای دکتر سید ابوالفضل غرضی، مدیر حامل سازمان تامین اجتماعی بود. نکته قابل توجه در این حادثه مشخص نشد و وضعیت استهار امداد رسانی است. معلوم نیست روزانه چند نفر به دلیل خسته مدیریت یا امکانات، جان خود را از دست می دهند".

- اگر چنان انسانها برایتان ارزش داشت (مطمئناً که ندارد) ملاج واقعه را قبل از وقوع چاره من اندیشیدند. تازه مکرر می دانند که خسب "ولی قیه" - دیکتاتوری یا خسته مدیریت - منجر به ناجمۀ ملی گردید و بر اثر آن بهترین فرزندان خلقی دزدانه تپی باران فرستادند و سیاست در گورهای جمن مذکون شدند.

آقای "نماینده" گویا هما در قصل سرما از مواد سوتختی هم در مجلس و هم در منزل خود در ضمیمه نیستید، و گرنه حتی سرمای بیست درجه زیر صفر و نه حامل دیکتاتوری مانند راه نیاچن به مجلس چهارم فما را به انشای هر چه بیشتر فجایی که در جمهوری اسلامی حادث می شوند، وادار می کرد.

جهت الاسلام والمسلمین دکتر احمدی،
عضو شورای اقلاب فرهنگی در سمینار پرسنی ادبیات اقلاب اسلامی،

"ما از ۱۰ ماه قبل از بیانی سمینار از کسانی دعوت شرکت در این سمینار کردیم ولی به ما پاسخ دادند که این سمینار دولتی است. این چه پاسخ است و این چه معنی دارد".

- او لا؛ در مورد بخش اول جمله باید بگوییم حیف از آن بولیایی که از ۱۰ ماه قبل برای بیانی چندین "سمینار" هایی مذکور شده اند و من شوند و خواهند شد،

- نایا؛ در مورد بخش دوم به نظر ما، پاسخ است کوتاه و پر مغزاً.
- نایا؛ در مورد آخرین بخش همان محتای را داراست که مردم به رنگ گذشته نهادند.

ذاکری "نماینده" مجلس:

"لطفاً نکته برای پادآوری خود و دیگر نمایندگان دوره سوم مجلس خرس می کنم که بیانیم به یاد داشته باشیم که مردم منظور ما را از نقطه ما و سخنرانی های آتشین خوب می نهند که برای رای، داد و فرید می نیم و یا برای بیان مشکلات و درمان دردناکشان و نیز باور کنیم که مردم، لیاقت و یا حدم لیاقت ما را برای نمایندگان دوره بعد در سه سال و نیم گذشته به خوبی درک کرده اند ولذا به گمان گرفتن رای بیشتر از آنان، آرایش جامعه را به نزدیم و در این چند ماه آینده هر روز این و آن را زیر سوال نیویم یعنی در حقیقت خرس خود نیم و زحمت دیگران دارم".

- اولاً آقای "نماینده" مطمئن باش که مردم با همه این خودناکاریها در انتخابات این دوره هم شرکت نخواهند کرد،

ثانیاً مگر مصاحبه آقای مددوی کنی با اطلاعات را مطالعه نکرده است که در دور سوم برای حفظ "مصالح نظام" بنا به توصیه امام، کرسی های نمایندگی مجلس شورای اسلامی بین چنایهای گروگان تقسم شد. و اصولاً مسئله انتخابات در رنگ "ولایت قیه" قویی بیش نیست.

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Postfach 10644 1000 Berlin 10

NO : 368
February 4, 1992

نامه
مردم

بها : ۲۰ ریال